



سعید جمشیدی فرد

بانک‌ها و حسابرسان در برابر چالش‌ها

تحولات اقتصاد ایران از دهه‌ی ۱۳۷۰ به بعد و به‌ویژه آغاز رسمی فعالیت مؤسسات اعتباری غیربانکی از نیمه‌ی این دهه شروع و فعالیت نخستین بانک‌های خصوصی از اوایل دهه‌ی ۱۳۸۰ زمینه‌ساز بروز تغییراتی جدی در ساختار نهادی بازار پول در ایران بود. گسترش اعطای مجوز برای فعالیت بانک‌های خصوصی جدید طی سال‌های بعد و واگذاری بخشی از سهام بانک‌های دولتی به عموم ذیل سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی نیز در عمل تغییرات ساختاری صنعت بانکداری در ایران را شدت بخشید.

عرضه سهام نخستین بانک‌های خصوصی در بورس اوراق بهادار و در ادامه واگذاری سهام بانک‌های دولتی در این بازار و استقبال گسترده‌ی سهام‌داران از هر یک از این عرضه‌ها نشانه‌ی انتظار سرمایه‌گذاران برای سودآوری بالای بانکداری در اقتصاد ایران بوده است. این روند کم‌وبیش و با فرازونشیب‌هایی تا اوایل دهه‌ی ۱۳۹۰ ادامه یافت اما به تدریج شاهد بروز مشکلاتی در سودآوری بانک‌های خصوصی و بروز بحران در مؤسسات اعتباری شدیم که حاصل آن سیاست‌های سخت‌گیرانه‌تر مقامات نظارتی در بازارهای پول و سرمایه بود که وظایف تازه‌ای برای حسابرسان مستقل و داخلی بانک‌ها رقم می‌زد. در نیمه‌ی دوم این دهه، گسترش بانکداری الکترونیکی و در پایان دهه، بازگشت تحریم‌های بین‌المللی و شیوع بیماری کرونا و پی‌آمدهای رکودزای آن بر بخش بزرگی از فعالیت‌های اقتصادی بازهم فضای عمومی فعالیت بانکی را دستخوش تنگنایی تازه کرده است.

در این میان، ضمن آن که باید تأکید کرد بخش بزرگی از این شکاف اداری ناشی از انتظاراتی فراتر از وظایف قانونی و بایسته‌ی حسابرس مستقل است، نمی‌توان ضرورت تطبیق مؤسسات حسابرسی در مقام اعتباربخش به صورت‌های مالی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی بمنظور تأمین بخشی از انتظارات معقول را نادیده گرفت. بخش عمده و اکثریت مطلق مؤسسات در صنعت حسابرسی ایران بنگاه‌هایی کوچک هستند که اندازه‌ی آن‌ها متناسب با وظایف اعتباربخشی به فعالیت‌های مالی بنگاه‌های بزرگی نظیر مؤسسات مالی و اعتباری و بانک‌ها نیست. تجربه نشان داده است که گام نخست برای این که بتوان خدمت مطلوبی به مشتریان ارائه کرد و انتظارات ذی‌نفعان و جامعه را برآورده ساخت، بزرگ شدن واقعی مؤسسات حسابرسی است به گونه‌ای که با قدرت بیشتری به حفظ استقلال حرفه‌ای خود در مقابل مشتریان و صاحب‌کاران بزرگ خود باشند. مسأله‌ی مهم دیگر تجهیز و توانایی بکارگیری فناوری اطلاعات است. در تمامی سال‌های گذشته شاهد اتکای روزافزون مؤسسات مالی و بانکی و کسب و کارهای نوین به روش‌های مبتنی بر فناوری اطلاعات و توسعه در بسترهای اینترنتی بوده‌ایم، اما عموم مؤسسات حسابرسی در تناسب با بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی در زمینه‌ی سرمایه‌گذاری و بهره‌گیری از فناوری اطلاعات پیشرفت نداشته‌اند. محدودیت‌های موجود آمده ناشی از شیوع کرونا حسابرسان را بطور جدی متوجه این ضرورت نمود و هشدار داد که مقاومت در استفاده از روش‌ها و فناوری‌های نوین می‌تواند مانع بزرگی در رشد مؤسسات حسابرسی بشود. از این‌رو ضروری است که جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران و نیز مؤسسات حسابرسی عضو جامعه تلاش خود را صرف آن کنند که خلاء ناشی از عدم بهره‌برداری مطلوب از فناوری اطلاعات در امر حسابرسی پر شود.

عرضه سهام نخستین بانک‌های خصوصی در بورس اوراق بهادار و در ادامه واگذاری سهام بانک‌های دولتی در این بازار و استقبال گسترده‌ی سهام‌داران از هر یک از این عرضه‌ها نشانه‌ی انتظار سرمایه‌گذاران برای سودآوری بالای بانکداری در اقتصاد ایران بوده است. این روند کم‌وبیش و با فرازونشیب‌هایی تا اوایل دهه‌ی ۱۳۹۰ ادامه یافت اما به تدریج شاهد بروز مشکلاتی در سودآوری بانک‌های خصوصی و بروز بحران در مؤسسات اعتباری شدیم که حاصل آن سیاست‌های سخت‌گیرانه‌تر مقامات نظارتی در بازارهای پول و سرمایه بود که وظایف تازه‌ای برای حسابرسان مستقل و داخلی بانک‌ها رقم می‌زد. در نیمه‌ی دوم این دهه، گسترش بانکداری الکترونیکی و در پایان دهه، بازگشت تحریم‌های بین‌المللی و شیوع بیماری کرونا و پی‌آمدهای رکودزای آن بر بخش بزرگی از فعالیت‌های اقتصادی بازهم فضای عمومی فعالیت بانکی را دستخوش تنگنایی تازه کرده است.

در این میان، از سویی انتظارات نهادهای ناظر بر بازار پول و بازار سرمایه از حسابرسان مستقل بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به شکل روزافزونی رو به گسترش گذاشت و از سوی دیگر انتظارات سهام‌داران و گروه‌های ذی‌نفع مختلف فعالیت بانکی نیز حسابرسان را در برابر دامنه‌ی روبه‌گسترشی از انتظارات قرار داد. طبیعتاً حاصل چنین شرایطی شکل‌گیری فاصله‌ی انتظارات و نیز وظایف دوچندانی است که در چنین وضعیتی بر حسابرسان تحمیل خواهد شد.

چالش‌های وضعیت کنونی نظام بانکی ایران را می‌توان در سه گروه عمده جای داد. نخست، آن دسته از چالش‌ها که ناشی از شرایط بحرانی اقتصاد است و برخاسته از مسایل بین‌المللی و مسایل اقتصاد کلان ایران است. دوم، آن دسته از چالش‌ها که به سبب ترکیب کنونی دارایی‌های نظام بانکی و ناتوانی آن در پاسخ‌گویی به الزامات نهادهای ناظر شکل گرفته است و سوم چالش‌های ناشی از پیشرفت ناکافی صنعت حسابرسی در ایران.

در مورد دو چالش نخست از جمله باید بر سهم بالا و توجیه‌ناپذیر وام‌های معوق در میان مجموعه‌ی تسهیلات اعطایی بانک‌ها به اشخاص حقیقی و حقوقی اشاره داشت که به‌نوبه‌ی خود چشم‌اندازهای سودآوری این مؤسسات اعتباری را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. علاوه بر آن، بخشی از سبد سرمایه‌گذاری‌های بانک‌ها نیز به‌ویژه در حوزه‌ی